

حالش خوب است

آن دلون بعد از یک سال سکوت شراحت
شکست و با رسانه‌ها گفت و گو کرد

زمانی خوش تیپ ترین مرد سینما شناخته
می‌شد اما از اواخر بهمن سال قبل، می‌شده
جرات گفت که آن دلون به غمگین ترین مرد
سینمای جهان تبدیل شده است. دلون در
چشواره کن سال گذشته، با اندوه و افسوس
درباره جهان و اوضاع حاکم بر آن سخن گفت
و بزرگداشت راکه برایش برگزار شده بود، به
مراسم تدفینی تشبیه کرد که در دوران حیات و
قبل از مرگش برگزار شده است.

و در این مراسم گفتند بود این بزرگداشت
برای او حکم پایان یک زندگی را دارد و به نظر
می‌رسید حتی نخل طای چشواره کن هم
بر احساسات تلخش تاثیری نداشت، کمی
بعد از این بزرگداشت، یعنی در ماه زوئن ۱۹۰۲،
آلن دلون در چارسکتکه مغزی شد و بعد از آن
سکوت پیش از تدفینی کرد که دور روز پیش
که برای بزرگداشت دوست تازه در گذشته اش
لب به سخن باز کرد.

با زیر سرشناس سینمای فرانسه، سکوت
یک ساله اش پس از سکته مغزی را شکست
و از بهبودش خبر داد. مهر به نقل از
خیزگزاری فرانسه نوشت آلن دلون در یک
سال گذشته را شکست و از مرگ ازدست
سرانجام سکوت شناخته با همه رسانه‌ها حرف نزد اما
دادن رویه بورنیش که سه شنبه در اما سالگی
درگذشت، به درگذشت.

این نخستین باری است که این بازیگر
۸۴ ساله پس از دریافت نخل افتخاری
چشواره فیلم کن با خبرنگارها صحبت کرده.
و گفته است: این کار را برای بورنیش من گم کنم.
نمی خواستم فقط چند خط در روزهای دارا به
او نوشته شود. می خواستم به او ادای احترام
کرده باشم، مادوستان ۵ ساله و خیلی به هم
نzedیک بودم، امروز صبح که خبرگذشت
را شنیدم خیلی غمگین شدم. با این که
اصل سالگی هم عبور کرده بود، انتظار
شنبیدن این خیر را نداشتم. او یک مرد
بزرگ بود، یک پلیس بزرگ، بالاتر از همه
پلیس‌ها، او بورنیش بود. او همان
جور زندگی کرد که می خواست در
طول عمرش نوشت و برای سینما
کار کرد.

آلن دلون که سال ۱۹۷۵ در فیلم
«دانستن یک پلیس» بازی کرده بود،
گفت: بورنیش در نهایت از من
خواست نقش خود را بازی کنم.
او مرآت خود کرد. وقت فیلمبرداری
هم می‌آمد. این دانستن او بود: زندگی
او بود و من زیر نظر او بازی کردم، او بود که
مرا کارگردان کرد. این بازیگر در نهایت در
صاصهایش با خیزگزاری فرانسه از سلامت
خودش هم خیزهایی داد و گفت: بهتر
هستم، اما خیلی وقت برد. به گفته
خبرنگاری که با دلون صحبت کرد، او
عادی حرف می‌زد و درست همان گونه
بود که قیل از سکته مغزی اش بود و از
روی متن چیزی نمی خواند.



تیزر فرهنگی «اونا» به مناسب روز دختر

تیزر فرهنگی «اونا» به کارگردانی محمد پادار و تهیه‌کنندگی محدثه بیرهادی به مناسب میلاد حضرت مقصومه (س) و روز دختر جلوی درویین رفت و با طی مراحل فنی خود را طی می‌کند و به‌زودی از طریق رسانه ملی و فضای مجازی پخش خواهد شد. تیزر فرهنگی «اونا» ششمین اثر کوتاهی است که باشگاه فیلم سوره در سه‌ماهه ابتدایی سال ۹۹ تولید و پخش کرده است.



انتشار فراخوان جمع‌آوری خاطرات روزهای کرونا بانوان
علاوه‌نگاره‌های خود را به محور منتشر شد.
صوتی به [@fereshtegan](#) در یکی از پیام‌رسان‌های «بله»، «سروش»، «ایتا»، یا به شماره ۰۹۱۹۰۳۴۱۵۹ در «واتس‌آپ» ارسال کنند. خاطرات منتخب هیات داوران، در قالب یک کتاب منتشر خواهد شد و به صاحبان خاطرات منتخب، یک نسخه از کتاب اهدای شود.

کتاب تازه‌ای از حمید حسام درباره یک مادر شهید‌ژانپانی امروز رونمایی می‌شود متولد ژانپن، عضو بسیج مستضعفین!



سال‌هاست حمید حسام را به تخصص می‌شناسیم. البته این تخصص با تخصصی که می‌شناسید تفاوت‌های دارد. حسام سال‌هاست ازین خانه به آن خانه برای جمع‌کردن خاطرات شهداء هشت سال دفع مقدس رفته است. او را به واقع می‌توان علمدار تخصص خاطرات شهداء در کلام خانواده و دوستان شان نام نهاد. شاید این نکته سنجی و بیگری حسام نبود، بسیاری از این شهداء کسی شناسانده نمی‌شدند و آن‌گونه که باید خاطرات شان درین مردم جامعه مطرح نمی‌شد. حالا و در تازه‌ترین اتفاقی که مدت تخصص خاطرات شهداء را تمد زده، سرگی مادر شهید‌ژانپن رفته است! اتفاقی نادر و جالب‌تجویه در تاریخ جنگ هشت ساله که مکتر کسی به آن توجه کرده است. به همانه انتشار «مهاجر سرزمین آفتاب» تازه‌ترین اثر حمید حسام که امروز رونمایی می‌شود، با وابستگی به مادر شهید‌ژانپن رفته است. به همانه انتشار «مهاجر سرزمین آفتاب» تازه‌ترین اثر حمید حسام که امروز رونمایی



ادبیات و هنر

کنار خانم یامامورا عاشقانه‌ای لطیف و انسانی را

منجر نشد و سعادت پرداختن به آن نصیب من و

خلق می‌کند.

آشنازی شما و خانم کونیکو یامامورا به چه

زمانی برمی‌گردد؟

آشنازی من و خانم یامامورا مربوط به سال ۲۰۱۴

است که به مناسب حضور تعدادی از جانبازان

شیمیایی در همایشی به مناسب سال‌مرک

کشته شدگان حادثه هیروشیما، سفری به این

شهر داشتم، در این سفر خانم یامامورا عنوان

مترجم همراه گروه مایه بود. من گرچه پیش از

این سفر با این سوژه آشنا بودم و می‌دانستم

که در جنگ هشت ساله شهیدی داشتمی که

مادرش زبانی بوده، اما دیدار پسوردی در این سفر

و صحبت هایی که در بین راه در ماشین انجم

می‌شد، من مشتاق‌تر کرد تا زاره این سوژه کاری

کشیده باشند. متأسفانه طی سال‌های اخیر

کلانشهرها هستیم و همین مسئله یک از علل جدی است

که سینمای ایران امروزه کار مرمد ندارد.

سعید الهی، منتقد و

کارشناس سینما و سرمه

در گفت و گو برپا در این ارتباط

گفت: متأسفانه در طول

چند سال گذشته، به لایل

مخالف از جمله افعال و

کم کاری برخی تمايندان در

مجالس قبلي، توجه جدی به

خلاصه اینین در حوزه سینما

نشد و همین علت مشکلات اقتصادی این عرصه سیار

مم، همچنان روی زمین مانده است.

او افزود: نمایندگان تازه وارد پرشور مجلس بازده‌هم،

با توجه به جایگاه و تاثیر هنر سینما بر روح و روان و

پروژه‌های این سینما را در سطح مختلف، باید در

مشourt مدند این حیثیت را در این ارتباط

خاطرات شمارا بینی نویسنده این سوژه را

خانم یامامورا در یک بازه زمانی که

طور مستمر در موزه سلحشور تهران حاضر می‌شد

و من هم در این موزه به عنوان یک از اعضا

حضور داشتم، اما خود گمان می‌زنیده

اصلی علاقه‌مندی ایشان کتاب «سفر به راه

سرمه» را دارد که من در سفر هیروشیما نوشت.

بایه ایشان در همان بیان نیز به این اتفاق

کتاب در همان سال نویسنده ایشان از این

کرد همام اما موضوع زندگی ایشان از این

تاریخ کتاب مهاجر سرزمین آفتاب به آن پرداخته

شد. به گمان من صرف نظر از علایق روحی، نوعی

اعتماد متقابل و باور قلی سبب شد این اثر

شکل بگیر.

گفتیز پیش از سفر هیروشیما این سوژه را

می‌شناخیم. از چهارین شناخت حاصل شد؟

او ایل دهه «م در بینای حفظ و نشر آثار دفاع

مقدس مسؤول دفتر ادبیات بود و مطبوعات به

بانک اطلاعات و سیعی دسترسی داشتم، سردار

باقرزاده، شهید محمد بایانی و مادر ایشان خانم

یامامورا به من معروف کردند. من در آن زمان

چون جایگاه مدیریتی را داشتم، محال برداخت

به سوژه‌ها نویسنده آن را پرداختم، بنابراین این

سوژه را به چند نفر پیشنهاد دادم و خیلی‌ها

حتی به قصد جمع‌آوری خاطرات، سفرهایی هم

داشتند اما هیچ‌کدام از آنها در نهایت به تولید اثر

مبلغش می‌شود.

اتفاق

عدد چهارم

اولین رمان بعد از نوبل

کازارو ایشی‌گورو، نویسنده ژانپنی اصل مقیم انگلیس است که شش سال پیش در زندگانه جایزه نوبل شد. اوردنی مدت زمان کتابی منتشر نکرد

از آن استفاده نکرد. این رمان نویسنده ایشان از این مدت زمان کتابی منتشر نکرد

یعنی ۱۹۱۹ از زمانی که شدیده آن به فروش رسید. ایستادن

دو پالت دیگر نزدیکی قیمت ۲۵ هزار و ۷۰ پوند فروخته شدند.

۵۶۵۰

فروش عجیب پالت نقاشی «پیکاسو»

پابلو پیکاسو، نقاش مشهور اسپانیایی است که آثار درخشانی از او به جامانده است.

از او پالت نقاشی به جامانده که برای خلق یک ارثاره شناخته شده است.

از آن استفاده نکرد. این پالت در یک حراجی به قیمت ۵۶۵ پوند،

دوباره می‌شدیده بود.

دوباره می‌شدیده بود.